

تشکیل دادگاه ویژه لبنان؛ نگاهی متفاوت در حقوق کیفری بین‌المللی

حسین آقائی جنت‌مکان*

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه چمران اهواز

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۶/۲۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۱/۱۹)

چکیده:

تاکنون دادگاه‌های کیفری بین‌المللی متعدد از سوی جامعه جهانی، سازمان ملل متحد و شورای امنیت برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی تشکیل شده است؛ نظیر دادگاه نورنبرگ، دادگاه توکیو، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، دیوان کیفری بین‌المللی دائمی و دادگاه ویژه سیرالئون. شورای امنیت سازمان ملل متحد در مه ۲۰۰۷ میلادی بنا به درخواست دولت لبنان، به موجب قطعنامه ۱۷۵۷(۲۰۰۷)، اساسنامه مربوط به تاسیس دادگاه ویژه لبنان را برای محاکمه و مجازات کسانی که مرتکب جرایم تروریستی منجر به قتل ۲۳ نفر از جمله نخست وزیر سابق لبنان - رفیق حریری - شدند، تصویب کرد. دادگاه ویژه لبنان از بسیاری جهات یک دادگاه منحصر به فرد است و رویکردی جدید را در حقوق کیفری بین‌المللی در پیش گرفته است. به دیگر سخن، دادگاه بین‌المللی ویژه لبنان در ماهیت و روش بی‌سابقه است. این جستار، به دنبال تبیین ویژگی‌ها و خصایص دادگاه ویژه لبنان در مقایسه با سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی می‌باشد.

واژگان کلیدی:

بین‌المللی - دادگاه - حقوق - کیفری - لبنان - نگاه.

مقدمه

در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، ۱۴ حمله تروریستی در لبنان رخ داد. در این حملات تعداد زیادی از جمله برخی مقامات سیاسی لبنان و تنی چند از روزنامه‌نگاران و شهروندان لبنانی کشته شدند و به برخی اماکن عمومی نیز خسارات شدیدی وارد شد. در ۱۴ فوریه سال ۲۰۰۵ نیز یک حمله تروریستی مهم در آن کشور واقع شد^۱ که به کشته شدن ۲۳ نفر از جمله نخست وزیر سابق این کشور- رفیق حریری منجر شد. بعد از آن نیز در سال ۲۰۰۷ دو حمله تروریستی دیگر رخ داد که در مجموع به ۱۷ حمله تروریستی بالغ شده‌اند. بعد از ترور رفیق حریری، شورای امنیت سازمان ملل ابتدا با صدور قطعنامه‌ای، کمیسیونی^۲ را برای تحقیق در مورد این حادثه تعیین کرد. سپس، بنا به درخواست دولت لبنان در ۲۰۰۷ براساس فصل هفتم منشور ملل متحد، قطعنامه ۱۷۵۷ (۲۰۰۷) را تصویب کرد.^۳ براساس قطعنامه فوق دادگاهی مختلط (Hybrid court)^۴ به منظور تعقیب مرتکبان انفجار تروریستی منجر به قتل نخست وزیر سابق لبنان تشکیل می‌شود. به انضمام قطعنامه دو سند دیگر نیز همراه بود؛ موافقتنامه تأسیس دادگاه ویژه لبنان بین دولت لبنان و سازمان ملل متحد^۵ و اساسنامه دادگاه ویژه لبنان (از این به بعد دادگاه ویژه). بر اساس فصل هفتم منشور، شورای امنیت سازمان ملل متحد تصمیم

۱. این رخ داد تأثیر فراوانی در حیات سیاسی لبنان به همراه داشته است. به طوری که در زمان نوشتن این مقاله (۲۰۰۸) هنوز اوضاع سیاسی لبنان به ثبات نرسیده است و همچنان پر آشوب است.

۲. یک کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی از سوی شورای امنیت براساس قطعنامه ۱۵۹۵ (۲۰۰۵) برای تحقیق در مورد قتل رفیق حریری تشکیل شد. قطعنامه‌های بعدی اختیارات کمیسیون را گسترش دادند و از کمیسیون خواسته شد تا در رابطه با ۱۷ پرونده دیگر به مقامات لبنانی مشورت فنی و تخصصی بدهد.

۳. یادآوری می‌شود شورای امنیت سازمان ملل متحد قبل از آن نیز قطعنامه‌های متعددی را در خصوص بحران لبنان صادر کرده بود: S/PRST/2005/4, SC Res. 1595 (2005), S/PRST/2005/22, SC Res. 1636 (2005), SC Res. 1644 (2005), SC Res. 1664 (2006), Res. 1686 (2006), S/PRST/2006/46, SC Res. 1748 (2007), SC Res. 1757 (2007), S/PRST/2007/18 and S/PRST/2007/21. برای اطلاع بیشتر در مورد قطعنامه‌ها و گزارش‌های کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد ر.ک:

<http://www.trial-ch.org/en/international/tribunal-special-international-pour-le-liban/documents.htm>

۴. دادگاه‌های مختلط، دادگاه‌هایی هستند که ترکیبی از حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق داخلی را اعمال نموده و از قضات داخلی و خارجی تشکیل می‌شوند. دادگاه‌های مختلط در حال حاضر در کوزوو، تیمور شرقی و سیرالئون در حال فعالیت هستند. ر.ک: حدادی، مهدی (۱۳۸۵)، بررسی مشروعیت دادگاه خاص عراق. مجله اندیشه‌های حقوقی، سال چهارم، شماره ۱۱؛ تاموشات، کریستیان. حقوق بشر. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی. تهران: بنیاد حقوقی میزان. ۱۳۸۶ چاپ اول.

5. Agreement between the United Nations and the Lebanese Republic

موافقتنامه در تاریخ ۶ فوریه ۲۰۰۷ بین دولت لبنان و سازمان ملل متحد منعقد گردید. متن موافقتنامه در آدرس زیر قابل مطالعه است:

<http://www.sc-sl.org/scsl-agreement.html>

گرفت اساسنامه دادگاه ویژه لبنان را که از ۱۰ ژوئن ۲۰۰۷ لازم‌الاجرا شده است، تصویب نماید.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، دادگاه ویژه لبنان (Special Tribunal for Lebanon) را پیرو موافقتنامه‌ای که بین دولت لبنان و سازمان ملل متحد منعقد گردید، تاسیس کرد که به نظر می‌رسد از الگوی دادگاه ویژه سیرالئون و کامبوج پیروی کرده است (Fassbender, 2007, 1091). دادگاه ویژه سیرالئون نیز براساس موافقتنامه بین دولت سیرالئون و سازمان ملل متحد در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۰ تاسیس شده است.^۱ اقدام اولیه برای تاسیس دادگاه ویژه از سوی دولت لبنان به عمل آمد که در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۵ از شورای امنیت در خصوص تاسیس یک دادگاه بین‌المللی درخواست کمک کرد تا همه کسانی را که مسول ترور رفیق حریری نخست وزیر هستند محاکمه کند. براساس این درخواست، شورای امنیت از دبیر کل چگونگی و قلمرو همکاری بین‌المللی لازم به دولت لبنان را استفسار کرد. دبیر کل سازمان ملل متحد ایجاد دادگاه بین‌المللی را به تنهایی کافی ندانست و معتقد بود که تشکیل یک دادگاه صرفاً بین‌المللی باعث می‌شود دولت لبنان در مقابل اجرای عدالت احساس مسولیت ننماید.

دبیرکل سازمان ملل متحد نتیجه گرفت که تاسیس یک دادگاه مختلط^۲ بهترین پاسخ به درخواست دولت لبنان و مسولیت بین‌المللی در مورد این پرونده می‌باشد. دبیرکل اضافه کرد: رویه عملی سازمان ملل متحد در ۱۳ سال گذشته بر ایجاد انواع متفاوت دادگاه بین‌المللی بوده است. دادگاهی که بر اساس قطعنامه شورای امنیت تاسیس شده یا براساس اساسنامه یا به موجب موافقتنامه بین سازمان ملل متحد و کشورهای که مستقیماً از تاسیس دادگاه منتفع می‌شدند.^۳ بعد از بحث فراوان بین سازمان ملل متحد و دولت لبنان، بهترین راه ایجاد یک دیوان از طریق انعقاد موافقتنامه بین دولت لبنان و سازمان ملل متحد تعیین گردید.

1. Report of the Secretary-General on the establishment of a Special Court for Sierra-Leone, S/2000/915, ¶10, 4 October 2000.

۲. نگاه کنید به نامه مورخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۵ نخست وزیر لبنان خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد در آدرس زیر: <http://www.trial-ch.org/en/international/tribunal-special-international-pour-le-liban/documents.htm>

۳. برای مطالعه بیشتر در مورد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مختلط ر.ک: کسسه، آنتونیو. حقوق کیفری بین‌المللی. حسین پیران و سایرین (مترجمان). تهران: انتشارات جنگل. چاپ اول. ۱۳۸۷. ص ۴۲۸.

۴. بر اساس تقسیم‌بندی‌های موجود، نسل اول دادگاه‌های بین‌المللی به دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو اطلاق می‌شود. نسل دوم این دادگاه‌ها شامل دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا می‌باشد. اصطلاح نسل سوم به دادگاه‌های مختلط اختصاص یافته و دادگاه کیفری بین‌المللی به اعتقاد برخی به عنوان نسل چهارم دادگاه‌های بین‌المللی شناخته می‌شود. در این مورد ر.ک: سادات میدانی، حسین. صلاحیت قانون‌گذاری شورای امنیت. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. چاپ اول، ۱۳۸۴. ۱۲۸ به بعد.

See also: Report of the Secretary-General on the establishment of a special Court for Sierra Leone, 4 October 2000, UN Doc.S/2000/915.

علی‌رغم تصویب قطعنامه ۱۷۵۷ (۲۰۰۷) و انعقاد موافقتنامه بین سازمان ملل متحد و دولت لبنان و همچنین تصویب اساسنامه دادگاه ویژه، شرایط قانونی مصرح در قطعنامه صورت عملی به خود نگرفت و تاسیس دادگاه ویژه با موانعی روبرو گردید. زیرا اجرائی شدن موافقتنامه منوط به امضاء رئیس جمهور^۱ و تصویب پارلمان گردیده بود. به دلیل اختلافات سیاسی، رئیس جمهور وقت - امیل لحود - از امضای آن خودداری و پارلمان نیز آن را تصویب ننمود و تشکیل دادگاه ویژه را با چالش مواجه ساخت. در ماده ۱۹ موافقتنامه، تاریخ لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه و شروع به کار دادگاه ویژه بعد از اعلام کتبی دولت لبنان مبنی بر طی تشریفات قانونی براساس حقوق داخلی لبنان معین شده بود. در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۶ مشاور حقوقی سازمان ملل متحد در نامه‌ای به شورای امنیت اعلام داشت اقدامات قانونی برای انعقاد موافقتنامه، کامل نشده است.^۲ با این حال، شورای امنیت معتقد بود که چون قطعنامه براساس فصل هفتم منشور ملل متحد تصویب گردیده، در نتیجه ضرورتی به تصویب پارلمان و امضاء رئیس جمهور ندارد.

در ۱۱ ژوئن ۲۰۰۷ سخنگوی مجمع عمومی سازمان ملل اعلام داشت که دبیر کل سازمان قطعنامه ۱۷۵۷ را پی‌گیری کرده و اقداماتی را جهت تاسیس دادگاه ویژه لبنان انجام داده است.^۳ شورای امنیت سازمان ملل به رغم مخالفت قوی که براساس مبناهای سیاسی و حقوقی

۱. براساس ماده ۵۲ قانون اساسی لبنان (اصلاحی ۱۹۹۰) برای اجرائی شدن هر موافقتنامه‌ای تأیید و امضاء رئیس جمهور ضروری است. برخی معاهدات مستلزم تصویب پارلمان نیز می‌باشد، از جمله، معاهداتی که تعهدات مالی برای دولت لبنان به همراه دارند.

۲. ن. ک: گزارش دبیرکل در مورد تاسیس دادگاه کیفری لبنان در آدرس زیر:

Addendum; UN Doc. S/2006/893/Add.1, 21 November 2006.

همچنین نامه ۱۰ آوریل و ۱۴ می ۲۰۰۷ فواد سینیوره نخست وزیر لبنان خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد که توضیح داد: بن بست ایجاد شده [در مسیر تشکیل دادگاه] به خاطر امتناع رئیس مجلس لبنان از تشکیل جلسه پارلمان برای تصویب رسمی اساسنامه دادگاه و موافقتنامه دو جانبه با سازمان ملل متحد می‌باشد. مطابق با نامه ۱۴ می ۲۰۰۷، اکثریت پارلمان حمایت خود از دادگاه ویژه و آمادگی خود را جهت تصویب رسمی آن در پارلمان اعلام داشته، چنانچه تنها یک جلسه پارلمان منعقد شود. به لحاظ مقاصد عملی، نخست وزیر نوشت: مسیر داخلی جهت تصویب موافقتنامه به پایان رسیده است و هیچ‌امیدی به انعقاد جلسه پارلمان برای تصویب رسمی وجود ندارد.

در نامه دیگری به تاریخ ۱۵ می ۲۰۰۷ سازمان ملل متحد خطاب به رئیس شورای امنیت ضمن موافقت با نخست وزیر بیان داشت «همه گزینه‌های داخلی برای تصویب موافقتنامه دادگاه ویژه در حال حاضر با بن بست مواجه گردیده است، هرچند او امیدوار است و ترجیح می‌دهد که طرفین لبنانی این مسئله را بین خود براساس اجماع ملی حل نمایند.»

See Letter dated 15 May 2007 from the Secretary-General to the President of the Security-Council, UN Doc. S/2007/281.

۳. ن. ک. بیانیه سخنگوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص اجرای قطعنامه ۱۵۷۵، ۱۱ ژوئن ۲۰۰۷. در این بیانیه که براساس بند سوم قطعنامه ۱۵۷۵ (۲۰۰۷) صادر گردیده است شورای امنیت از دبیر کل درخواست کرده است که در صورت لزوم، هماهنگ با دولت لبنان، اقدامات و تدابیر لازم برای ایجاد دادگاه ویژه در زمان مقتضی صورت گیرد.

استوار است به تشکیل دادگاه مبادرت کرده و با استفاده از اختیارات و قدرت خود روندهای موجود در قانون اساسی لبنان را هم نادیده گرفته است (shehadi and shurst, 2007, p.1). شایان ذکر است که در خرداد ماه سال ۱۳۸۷ هـ. ش. با حصول توافق میان احزاب سیاسی، رئیس‌جمهور لبنان تعیین گردید و وی بلافاصله بعد از انتخاب اعلام داشت که از تشکیل دادگاه ویژه حمایت خواهد کرد. بنابراین، موانع در مسیر شروع به کار دادگاه برداشته شده است. احتمالاً بعد از پایان کار کمیسیون تحقیق که تا آذر ماه سال جاری ماموریت آن تمدید شده است، دادگاه ویژه^۱ کار خود را آغاز خواهد کرد.^۲

مبحث نخست- مبانی حقوقی تاسیس دادگاه ویژه

نخستین پرسشی که در ارتباط با تاسیس دادگاه ویژه لبنان به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا شورای امنیت سازمان ملل صلاحیت تاسیس چنین دادگاهی را دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر، دلایل و توجیحات حقوقی برای تاسیس چنین دادگاهی چه می‌باشد؟ اصولاً برای تشکیل دادگاه‌های کیفری با ماهیت بین‌المللی دو روش وجود دارد: نخست، از طریق انعقاد یک معاهده بین‌المللی؛ دوم، از طریق سازمان‌های بین‌المللی. روش سنتی حقوق بین‌الملل برای ایجاد نهادهای بین‌المللی، تاسیس آنها از طریق انعقاد یک معاهده بین‌المللی است. نظیر تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی که سند تاسیس آن در کنفرانس دیپلماتیک رم و در سال ۱۹۹۸ به امضاء ۱۲۰ دولت رسید. این روش وقت گیر و طاقت فرسا است و معایبی نیز دارا می‌باشد (سادات میدانی، پیشین. ص ۱۲۸؛ کریستوفر، ۷۴-۱۳۷۳. ص ۳۱۷؛ اریک، ۱۳۷۳-۷۴. ص ۱۹۷). لکن در مورد مشروعیت تاسیس دادگاه‌های بین‌المللی به این روش تردیدی وجود ندارد.

روش دوم، تاسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای محاکمه جنایتکاران بین‌المللی از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد که با فروپاشی نظام کمونیستی و فراهم شدن زمینه تصمیم‌گیری شورای امنیت، این شورا بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد مبادرت به تشکیل دادگاه‌های اختصاصی یوگسلاوی سابق و رواندا کرده است. در مورد مبانی حقوقی و مشروعیت ایجاد دادگاه‌ها از طریق روش دوم اختلاف نظرهای فراوانی بین متخصصان و

۱. یادآوری می‌شود این دادگاه از اول مارس سال ۲۰۰۹ میلادی در شهر لاهه هلند تشکیل و آغاز به کار کرده است.

۲. تقاضا از شورای امنیت برای تاسیس دادگاه‌های ویژه رو به افزایش است. بعد از ترور خانم بی نظیر بوتو- نخست وزیر سابق پاکستان- مقامات حزب ملت آن کشور از جامعه بین‌المللی درخواست کردند دادگاهی مشابه دادگاه رسیدگی به پرونده رفیق حریری تشکیل دهد تا مسببین این حادثه را محاکمه نماید. شورای امنیت این درخواست را رد کرد به این دلیل که شورای امنیت تنها زمانی وارد عمل می‌شود که دولت دیگری در حادثه دست داشته باشد. و در قضیه ترور خانم بوتو دولت دیگری نقش نداشته است.

دولت‌ها وجود دارد (shehadi and shurst, 2007, p.1؛ فیوضی، ۱۳۸۶، ۲۸۰؛ نوع پرست، ۱۳۸۱، ۱۲۴). شورای امنیت تشکیل دادگاه‌های اختصاصی را در مقام اجرای مسولیت خود برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به نمایندگی از طرف کل جامعه بین‌المللی می‌داند (سادات میدانی، پیشین، ص ۱۲۵-۶). در خصوص ضرورت ایجاد چنین دادگاه‌هایی تردیدی وجود ندارد، لکن در مورد اختیارات شورای امنیت سازمان ملل متحد است که جای بحث وجود دارد. هنگام تاسیس دادگاه‌های اختصاصی یوگسلاوی سابق و رواندا بسیاری از دولت‌ها نسبت به صلاحیت شورا در این باره اظهار تردید نمودند. (UN Doc s/25704, 23 may 1993؛ سادات میدانی، همان، ص ۱۲۷). داسکو تادیچ (Dusko Tadic) - یکی از متهمان دادگاه یوگسلاوی سابق - ایرادات فراوانی^۱ نسبت به مشروعیت تاسیس دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق توسط شورای امنیت مطرح کرد (سادات میدانی، پیشین، ۱۳۲). برای پاسخ به تردیدهای مربوط به صلاحیت شورای امنیت جهت تاسیس چنین دادگاه‌هایی، بهتر است به پاسخ شعبه استیناف دادگاه یوگسلاوی سابق به ابهامات تادیچ اشاره کرد.

شعبه استیناف دادگاه یوگسلاوی سابق در پاسخ اشعار داشت: نخست، اقدام شورا در تاسیس دادگاه به موجب فصل هفتم منشور صورت گرفته است، دوم، اقدامات مندرج در ماده ۴۱ منشور صرفاً نمونه‌های تمثیلی (illustrative examples) هستند که به وضوح سایر اقدامات را مستثنی نمی‌سازند. تنها چیزی که ماده تصریح می‌کند این است که شامل توسل به زور نمی‌گردد. بنابراین، نفی‌کننده تشکیل دادگاه نیستند. سوم، شورای امنیت با تاسیس یک رکن قضائی در قالب یک دادگاه کیفری بین‌المللی، متوسل به یکی از ابزارهای خود برای اعمال وظیفه اساسی در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی شده است. به عبارت دیگر، به عنوان اقدامی که موجب اعاده و حفظ صلح در خاک یوگسلاوی سابق می‌گردد. با توجه به این دلایل شعبه استیناف نتیجه‌گیری کرد که دادگاه بین‌المللی به طور قانونی به عنوان اقدامی براساس فصل هفتم منشور تاسیس یافته است.^۲

۱. پژوهشخواه - تادیچ - سه سوال و ابهام نسبت به صلاحیت شورا در زمینه تشکیل دادگاه‌های اختصاصی به شرح زیر مطرح کرد: آیا حقیقتاً تهدیدی علیه صلح وجود داشته که بتوان با استناد به فصل هفتم، به عنوان مبنای حقوقی، تشکیل دادگاه بین‌المللی را توجیه کرد؟ ۲ - با فرض وجود این چنین تهدیدی، آیا شورای امنیت مجاز است که برای اعاده صلح مبادرت به اتخاذ اقداماتی براساس صلاحدید خود بنماید، یا اینکه صرفاً انتخاب شورا محدود به مواردی است که صراحتاً در مواد ۴۱ و ۴۲ درج گردیده است (و احتمالاً ماده ۴۰ به همین صورت)؟ ۳ - درحالت دوم، با توجه به عدم اشاره در موارد مذکور به تشکیل دادگاه در آن مواد و اختلاف ماهیتی چگونه تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی قابل توجیه می‌باشد؟ (ر.ک: سادات میدانی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱).

2. Prosecutor v. Dusko Tadic, case (IT-94-1), 2 October 1995, Para 27.

نکته جالب در مورد تأسیس دادگاه ویژه لبنان این است که این دادگاه براساس موافقتنامه بین دولت لبنان و سازمان ملل متحد از یک طرف و قطعنامه شورای امنیت از طرف دیگر، تأسیس شده است. لکن در مسیر اجرای موافقتنامه موانعی ایجاد شده است. با این حال، دادگاه ویژه لبنان خواه براساس موافقتنامه ایجاد شده باشد و خواه بر اساس قطعنامه، مشروعیت لازم را دارا می‌باشد. زیرا امروز مسلم شده است که شورای امنیت حق دارد تا دادگاه‌های کیفری بین‌المللی تأسیس کند که حق تعقیب اشخاص را داشته باشند.^۱

پیشنهادی را که می‌توان مطرح ساخت این است که به جای تشکیل دادگاه‌های اختصاصی، بهتر است با اصلاح اساسنامه دیوان کیفر بین‌المللی مواردی را که تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شوند، از سوی شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع شوند. با توجه به مقررات فعلی اساسنامه، رسیدگی به مواردی که صرفاً تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند از صلاحیت دیوان خارج است، مگر آنکه منجر به ارتکاب یکی از جنایات در صلاحیت دیوان گردد.

مبحث دوم - قلمرو صلاحیت دادگاه ویژه

الف - صلاحیت موضوعی

دادگاه ویژه لبنان از جهات مختلف یک دادگاه بین‌المللی منحصر به فرد است. نخستین باری است که یک دادگاه مبتنی بر معاهده از طریق قطعنامه شورای امنیت براساس فصل هفتم تأسیس می‌شود. ویژگی منحصر به فرد دیگر دادگاه وابستگی کامل دادگاه به جرایم ماهوی داخلی است (Jurdi 2007, 1125).

دادگاه ویژه لبنان نخستین دادگاه کیفری بین‌المللی است که صلاحیت خود را منحصراً نسبت به جرایم داخلی اعمال می‌کند.^۲ این یک ویژگی منحصر به فرد این دادگاه است.^۳ دادگاه

۱. هرچند دادگاه ویژه از طریق روند معمول قانون‌گذاری لبنان تأسیس شده است، با وجود این، هنوز یک دادگاه کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود. شعبه تجدید نظر دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده تیلور (Taylor) استدلالی را پذیرفت تا تعیین کند که موافقتنامه بین سازمان ملل متحد و سیرالئون در واقع یک توافق بین همه اعضای سازمان ملل متحد و دولت سیرالئون می‌باشد و توافق دو جانبه ترجمان صریح اراده جامعه بین‌المللی است، بر همین اساس شعبه تجدید نظر، دادگاه سیرالئون را یک دادگاه واقعاً بین‌المللی تلقی کرده است. ر.ک:

Decision on Immunity from Jurisdiction, Taylor (SCSL-2003-01-1), Appeal Chamber, 31 May 2004.

2. For further discussion of the Lebanese law aspects of the STL's subject-matter jurisdiction, see C. Sader, 'A Lebanese Perspective on the Special Tribunal for Lebanon: Hopes and Disillusions', and N.N. Jurdi, Op.Ci t. p.1125

۳. برای مطالعه بیشتر در مورد نوآوری‌های اساسنامه دادگاه ویژه لبنان ر.ک:

Cecile .Aptel, Some Innovations in the Statute of the Special Tribunal for Lebanon, JICJ.p.1107 at al.

ویژه لبنان در رسیدگی‌های خود، تنها به مقررات قوانین کیفری لبنان در خصوص تعقیب و مجازات تروریسم، قوانین مربوط به جنایات و جرایم علیه تمامیت جسمانی، موسسات غیر قانونی و خودداری از اعلام جنایات در قانون مجازات لبنان استناد خواهد کرد. این جرایم در مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون مجازات لبنان در مورد جرایم علیه امنیت داخلی، ماده ۳۱۴ در مورد تروریسم، ماده ۳۳۵ در مورد سازمان‌ها و موسسات غیر قانونی، مواد ۵۴۷، ۵۴۸، و ۵۴۹ در مورد قتل عمد و مواد ۵، ۴، ۲ و ۶ قانون ۱۱ ژانویه ۱۹۵۸ پیش بینی شده‌اند.^۱ بنابراین، منبع اصلی دیوان اساسنامه آن است و سپس قوانین کیفری لبنان.

قانون مجازات لبنان یک تعریف قدیمی اما دقیق از تروریسم دارد. تعریف تروریسم در قانون مجازات لبنان یک مسئله مهم را مطرح می‌کند و آن اینکه آیا این تعریف در حقوق لبنان با همه نقاط قوت و ضعف می‌تواند به تحول تعریف مسلم تروریسم بین‌المللی کمک کند یا خیر. بین‌المللی کردن تعریف تروریسم در حقوق لبنان به دو عامل بستگی دارد: اول، رویکرد قضات در تصویب آئین دادرسی و ادله دادگاه، و مهم‌تر از آن خلاقیت آنان در رویه قضائی دادگاه.

در مقایسه با سایر دادگاه‌های بین‌المللی اختصاصی، دادگاه ویژه لبنان صلاحیت کاملاً محدود دارد. برای مثال، دادگاه ویژه سیرالئون^۲ هم نسبت به جرایم به موجب قوانین داخلی و هم نسبت به جنایات بین‌المللی صلاحیت رسیدگی دارد. صلاحیت موضوعی داخلی یک نقش خیلی محدودی در محاکمات سیرالئون دارد. صلاحیت دادگاه ویژه سیرالئون مربوط به جنایات علیه بشریت، نقض ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دوم، و سایر نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌باشد.^۳ همچنین دادگاه عالی عراق^۴ نسبت به جرایم بین‌المللی و جرایم مندرج در قوانین داخلی عراق^۵ صلاحیت دارد (حدادی، ۱۳۸۵، ۱۲۰). از طرف دیگر، هیات رسیدگی کننده به جرایم در تیمور شرقی^۶، شعبه فوق‌العاده دادگاه کامبوج^۷، شعبه جنایات جنگی در بوسنی و هرزگوین^۸ نیز صلاحیت خود را نسبت به جنایات بین‌المللی اعمال می‌کنند (milanovic, 2007, 1139).

۱. در مورد تعریف جرایم مزبور و عناصر آنان رک:

Jurdi, Nidal Nabil. Op.Cit. p.1127.

2. Special court for Sierra Leone(SCSL)

۳. مواد ۴، ۳، ۲ و ۵ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون

4 . The Iraqi High Tribunal

۵. ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه عالی عراق.

6. East Timorese Serious Crimes Panels

7. The extraordinary Chambers of the Courts of Cambodian

8. war Crimes chamber in Bosnia and Herzegovina

هرچند عده‌ای معتقدند که عناصر جنایات علیه بشریت را می‌توان در قتل نخست وزیر سابق لبنان رفیق حریری و حملات مرتبط با آن بین اول اکتبر ۲۰۰۴ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ یا بعد از آن یافت. لکن، تلاش برای گنجاندن جنایات علیه بشریت در اساسنامه دادگاه نافرجام ماند. علی‌رغم اینکه عناصر جنایات علیه بشریت در زمینه صلاحیت دادگاه قابل تشخیص است، (jurdi, 2007, 1126) به نظر می‌رسد فشارهای سیاسی مانع از گسترش اعمال صلاحیت دادگاه ویژه نسبت به جنایات علیه بشریت گردیده است.^۱ البته، به نظر من این تصور درست نیست، زیرا نمی‌توان ویژگی‌های جنایات علیه بشریت را در حادثه قتل نخست وزیر سابق لبنان احراز کرد.

دبیرکل سازمان ملل نیز اعلام کرد که در مذاکرات مربوط به تاسیس دادگاه ویژه، حمایت کافی برای گنجاندن جنایات علیه بشریت در اساسنامه به عمل نیامد.^۲ نویسندگان حقوق کیفری بین‌المللی آن را یک نقطه ضعف برای اساسنامه دادگاه می‌دانند و اعتقاد دارند که گنجاندن جنایات علیه بشریت در اساسنامه دادگاه می‌توانست به حل مسایلی که دادگاه در آینده با آنها روبرو خواهد شد نظیر مصونیت سران دولت‌ها و سایر مقامات ارشد کمک کند. از طرف دیگر، عدم گنجاندن جنایات علیه بشریت در اساسنامه دادگاه ویژه، دادگاه را از استناد به مجموعه‌ای وسیع از رویه قضائی بین‌المللی در مورد جنایات علیه بشریت محروم کرده است و دادگاه تنها می‌تواند به رویه قضائی دادگاه‌های لبنان استناد نماید. این مسئله اهمیتی مضاعف می‌یابد چنانچه جرایمی که در آینده واقع می‌شود از حیث وخامت شدیدتر باشند.

متأسفانه اساسنامه دادگاه ویژه، حتی به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در مورد تعریف تروریسم و جرایم تروریستی نظیر کنوانسیون منع و مجازات تروریسم و ماده یک کنوانسیون عربی در مورد منع و مجازات تروریسم (۱۹۹۸)^۳ که لبنان نیز عضو آن است^۴، اشاره‌ای نکرده است.

۱. بنا به اظهار نظر برخی حاضران در پیش نویس اساسنامه دادگاه، فدراسیون روسیه و همچنین آمریکا مایل نبودند جنایات علیه بشریت در این اساسنامه گنجانده شود. برای اطلاع در مورد حمایت روسیه برای مصونیت مقامات سوری ر.ک: Raghida Dergham, 'Talk of "Deals" between Washington, Damascus and Tehran', *Dar al-Hayat*, 3 November 2006, available online at <http://english.daralhayat.com/opinion/OPEd/11-Hayat>, (visited 14 July 2006/Article-20061103-adddc79b-c0a8-10ed-0108-ea49b6cb4496/story.html 2007).

2. Report of the Secretary – general on the establishment of a special Tribunal for Lebanon, UN Doc. S/2006/893, 15 November 2006, P.25.

۳. ماده یک کنوانسیون عربی در مورد منع تروریسم ۲۲ آوریل ۱۹۹۸.

۴. دولت لبنان در تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۹۹ این کنوانسیون را تصویب کرده است.

ب- صلاحیت زمانی

صلاحیت اصلی دیوان به موجب ماده یک اساسنامه مشخص شده است. مطابق ماده یک، دادگاه ویژه نسبت به اشخاصی صلاحیت دارد که مسئول حمله ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ که منجر به قتل نخست وزیر سابق لبنان رفیق حریری و قتل یا مجروحیت عده دیگری شده است، می‌باشند. این صلاحیت برای یک دیوان بین‌المللی، صلاحیت خیلی محدود است که تنها منحصر به رسیدگی به یک حمله منفرد به یک مقام سابق لبنان گردیده است (پرونده حریری). در رابطه با کشوری مانند لبنان که قتل‌های سیاسی، حملات تروریستی و جنایات جنگی بیشتری واقع شده است، جالب است که قلمرو صلاحیت دادگاه خیلی محدود شده است. با این حال، باید اشاره کرد که اهمیت نمادین پرونده رفیق حریری، پیامدهای سیاسی و ژئوپولیتیک آن از جمله ایجاد اختلاف سیاسی در لبنان، آن را واجد اهمیت کرده است.^۱

ماده یک همچنین تصریح می‌کند: چنانچه دادگاه نتیجه بگیرد که حملات دیگری در لبنان بین اول اکتبر ۲۰۰۴ و ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ یا هر تاریخ دیگری که طرفین (یعنی سازمان ملل متحد و دولت لبنان) با رضایت شورای امنیت تعیین می‌نمایند، واقع شده باشد و براساس اصول عدالت کیفری مرتبط هستند و از حیث ماهیت و شدت همانند حمله ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ باشند، نسبت به اشخاص مسئول این حملات نیز صلاحیت خواهد داشت. به عبارت دیگر، دادگاه ویژه تنها در صورتی وارد رسیدگی به پرونده‌ای دیگر می‌شود که ارتباطی بین این حملات وجود داشته باشد.

اساسنامه معیارهای ارتباط را روشن کرده است. در ماده یک اساسنامه پیش بینی شده است: این ارتباط می‌تواند از ترکیب موارد زیر به دست آید، اما محدود به آن‌ها نیست. قصد مجرمانه (انگیزه)، هدف حملات، ماهیت قربانیان مورد هدف، شیوه حملات (Modus) و مرتکبان. اثبات رابطه بین حملات ارتكابی در آینده و حمله به رفیق حریری که در ماده ۱ اساسنامه دادگاه به آن اشاره شده است، به عهده دادستان است. اثبات رابطه امری دشوار است. اما، دادستان در این رابطه باید از اطلاعات مقامات قضائی لبنان و کمیسیون تحقیق استفاده کند (ماده ۱۹ اساسنامه).

اساسنامه دو شرط برای توسعه صلاحیت دادگاه ویژه در نظر گرفته است: نخست، طرفین، یعنی دولت لبنان و سازمان ملل متحد به نمایندگی دبیر کل، باید با گسترش صلاحیت دادگاه موافق باشند. دوم، شورای امنیت باید به این امر «رضایت» دهد. در مورد «رضایت» ابهام وجود

۱. شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۷۵۷ (۲۰۰۷) اشاره کرد که «این اعمال تروریستی و پیامدهای آن تهدیدی نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود، در نتیجه مبنائی برای تصویب قطعنامه حاضر براساس فصل هفتم منشور ملل متحد فراهم آورده است.

دارد و آن این است که منظور از رضایت چیست، علی‌الخصوص، اینکه آیا رضایت مستلزم تصویب یک قطعنامه رسمی است یا خیر. با این آستانه بالائی که برای رسیدگی به هر پرونده‌ای غیر از پرونده رفیق حریری تعیین شده است، دادگاه احتمالاً به پرونده‌های خیلی کمی رسیدگی می‌کند.

رسیدگی به جرایم آینده از بدعت‌های اساسنامه دادگاه ویژه است. اساسنامه اجازه می‌دهد دادگاه صلاحیت خود را نسبت به حملاتی که بعد از ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ صورت گرفته است نیز گسترش دهد. همچنین تلویحاً اشاره دارد حملاتی که در آینده احتمال وقوع دارد می‌تواند در صلاحیت دادگاه قرار گیرد. به عبارت دیگر، کمیسیون تحقیق خواسته است قلمرو صلاحیت دادگاه را نسبت به ۱۷ مورد حمله‌ای که صورت گرفته، گسترش دهد.

مبحث سوم- رابطه دادگاه ویژه با مقامات قضائی لبنان و سایر کشورها

درحالی که موافقتنامه سازمان ملل متحد و دولت لبنان یک چارچوبی محکم را برای همکاری بین دادگاه ویژه و دولت لبنان فراهم می‌کند، قطعنامه ۱۷۵۷ (۲۰۰۷) شورای امنیت در خصوص وظیفه دولت‌های ثالث برای همکاری با دادگاه ویژه ساکت است. در نتیجه دادگاه ویژه با مشکلات و موانع فراوانی در خصوص جلب همکاری کشورها روبرو خواهد شد که ممکن است مانع از انجام وظیفه دادگاه ویژه شود. کشورها در زمینه همکاری با دادگاه ویژه به سه دسته تقسیم می‌شوند: همکاری دولت لبنان با دادگاه ویژه، همکاری کشورهای ثالث با دادگاه ویژه و همکاری دولت سوریه با دادگاه ویژه.

الف- همکاری دولت لبنان با دادگاه ویژه

نحوه همکاری بین دولت لبنان با دادگاه ویژه به موجب موافقتنامه ۷ فوریه ۲۰۰۷ بین سازمان ملل متحد و دولت جمهوری لبنان مشخص شده است. براساس قطعنامه ۱۷۵۷ (۲۰۰۷) شورای امنیت، موافقتنامه مزبور در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۰۷ لازم‌الاجرا شده است، علی‌رغم اینکه تاکنون از سوی دولت لبنان مورد تصویب قرار نگرفته است. دلیل لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه این است که احتمالاً تعهدات ناشی از موافقتنامه به موجب فصل هفتم منشور تلقی می‌شود (fassbender,2007,1091).

مقررات موافقتنامه شبیه مقرراتی است که برای دادگاه ویژه سیرئون و دادگاه کامبوج پیش بینی شده است. ماده ۱۵ (۱) موافقتنامه، دولت لبنان را موظف می‌دارد که در همه مراحل دادرسی با همه ارگان‌های دادگاه ویژه، علی‌الخصوص دادستان و وکیل مدافع همکاری نماید. همین‌طور، موافقتنامه مقرر می‌دارد که دولت لبنان باید امکان دسترسی دادستان و وکیل مدافع

را به اماکن، اشخاص و اسناد لازم برای تحقیقات فراهم آورد. به موجب ماده ۱۵(۲) موافقتنامه، دولت لبنان باید بدون هرگونه تاخیر غیرموجه با هرگونه درخواست دادگاه ویژه یا دستوری که از شعب دادگاه صادر می‌شود، همکاری کند. بنابراین، یک تعهد عام و بدون قید و شرط برای دولت لبنان به منظور همکاری با دادگاه ویژه وجود دارد. از طرف دیگر، ماده ۴ اساسنامه دادگاه ویژه مقرر می‌دارد دادگاه در حدود صلاحیت خود بر دادگاه‌های ملی تقدم دارد. دادگاه ویژه بخشی از نظام قضائی لبنان به شمار نمی‌رود، لکن، می‌تواند در تمام مراحل دادرسی از مراجع قضائی لبنان که در حال رسیدگی به پرونده رفیق حریری یا پرونده‌های مرتبط دیگر هستند درخواست کند که رسیدگی به پرونده را به دادگاه ویژه واگذار نمایند. ماده ۴(۲) اساسنامه مقرر می‌دارد در مدتی که بیش از دو ماه نباشد، دادگاه ویژه از دادگاه‌های لبنان درخواست می‌کند که از صلاحیت خود عدول نمایند و دادگاه‌های داخلی لبنان نتایج رسیدگی را در صورت لزوم به دادگاه ویژه ارسال می‌دارند. همین ماده اضافه می‌کند که «اشخاص بازداشت شده در رابطه با تحقیقات به بازداشتگاه دادگاه ویژه منتقل خواهند شد»^۱.

ماده ۱۹ اساسنامه در رابطه با همکاری بین دادگاه ویژه و کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی مقرر می‌دارد: ادله‌ای که در رابطه با بررسی دادگاه ویژه، قبل از تاسیس دادگاه، از سوی مقامات داخلی لبنان یا کمیسیون مستقل تحقیق بین‌المللی... جمع‌آوری شده است، به دادگاه ویژه ارسال خواهد شد. دادگاه ویژه میزان اعتبار دلایل جمع‌آوری شده را خود معین می‌کند. برخی تعیین این نوع رابطه بین دادگاه و مقامات قضائی لبنان و کمیسیون را یک نوع آوری جالب می‌دانند (Cecile, 2007, 1107). با وجود این، اساسنامه‌های قبلی این روابط را روشن نکرده بودند.

شایان ذکر است که در دو سال گذشته، همکاری گسترده و سازمان یافته بین دولت لبنان و کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی وجود داشته است. کمیسیون در سال‌های گذشته هشت گزارش^۲ تقدیم شورای امنیت کرده است که در آنها سطح خوب همکاری دولت لبنان با دادگاه ویژه مشهود است.

۱. چهار نفر از مقامات عالی رتبه سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی لبنان در تاریخ ۳۰ اوت ۲۰۰۵ دستگیر شده‌اند و از آن زمان تاکنون از سوی مراجع قضائی لبنان در رابطه با تحقیقات پرونده حریری در بازداشت به سر می‌برند.

2. See UN Docs S/2005/662 (First Report), S/2005/775 (Second Report), S/2006/161 (Third Report), S/2006/375 (Fourth Report), S/2006/760 (Fifth Report), S/2006/962 (Sixth Report), S/2007/150 (Seventh Report) and S/2007/424 (Eighth Report). The Commission prepared its first two reports under Commissioner Detlev Mehlis. Afterwards, Serge Brammertz became the Commissioner

ب- همکاری دولت‌های ثالث با دادگاه ویژه

همان‌گونه که می‌دانیم براساس اساسنامه دیوان‌های یوگسلاوی سابق و رواندا، همه دولت‌ها ملزم به همکاری با این دیوان‌ها در انجام تحقیق و تعقیب اشخاص متهم به جرایم ارتكابی در صلاحیت این دیوان‌ها می‌باشند. اما در مورد سایر دیوان‌ها وضع تفاوت می‌کند که باید به طور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.^۱

سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا کشورهای ثالث ملزم به همکاری با دادگاه ویژه هستند یا خیر، در صورتی که ملزم باشند تا چه میزان؟

با اینکه قطعنامه ۱۷۵۷ (۲۰۰۷) شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور ملل متحد پذیرفته شده، در متن اساسنامه و موافقتنامه بین دولت لبنان و سازمان ملل متحد، هیچ اشاره‌ای به الزامات کشورهای ثالث برای همکاری با دادگاه ویژه نشده است. بنابراین، چنانچه تحقیقاتی خارج از کشور لبنان لازم باشد آیا دادگاه نسبت به آنها هم تفوق دارد یا خیر. هرچند دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش خود پیشنهاد کرد^۲ که شورای امنیت، همه دولت‌ها را ملزم به همکاری نماید، قطعنامه شورا از کنار این مسئله با سکوت عبور کرده است. بنابراین، می‌توان تصور کرد که کشورهای ثالث ملزم به همکاری با دادگاه ویژه نیستند. علی‌الخصوص اینکه دادگاه ویژه نسبت به دادگاه‌های کشورهای ثالث از نظر صلاحیت هیچ تفوقی ندارد. مضافاً اینکه، این دولت‌ها در رابطه با جرایمی که در صلاحیت دادگاه ویژه است و در خصوص آنها تقاضای همکاری شده است، صلاحیت موازی (concurrent jurisdiction) دارند.

برای حل مشکل فوق دو فرض را می‌توان تصور کرد: نخست، چنانچه تاسیس دادگاه ویژه را براساس قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد بدانیم، در نتیجه تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد وظیفه دارند که در زمینه تحقیق و تعقیب جرایم با دادگاه ویژه همکاری نمایند. کما اینکه همین مشکل در رابطه با دادگاه ویژه سیرالئون پیش آمد، و شعبه تجدید نظر دادگاه ویژه سیرالئون رای دادگاه براساس فصل هفتم کلیه کشورها موظف به همکاری می‌باشند.

دوم، چنانچه مبنای تاسیس دادگاه ویژه را صرفاً موافقتنامه بین سازمان ملل متحد و دولت لبنان بدانیم، در این صورت جز در مواردی که دولت‌های ثالث به موجب قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت یا کنوانسیون‌های بین‌المللی مکلف به همکاری در زمینه مبارزه با جرایم

۱. برای تحلیل بیشتر در مورد همکاری دولت‌ها با دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی ر.ک:

G. Sluiter, 'Legal Assistance to Internationalized Courts and Tribunals', in Romano, A. Nollkaemper and J.K. Kleffner (eds), *Internationalized Criminal Courts* (Oxford: OUP, 2004), 379.

2. Report of the Secretary-General on the establishment of a special tribunal for Lebanon, UN Doc. S/2006/893, 15 November 2006, at 53:

تروریستی هستند،^۱ در سایر موارد راه‌حل این است که شورای امنیت از آنها درخواست کند که با دادگاه ویژه همکاری نمایند (Cecile, 2007, 1109).
اساسنامه و قطعنامه هیچکدام سایر دولت‌ها را ملزم به همکاری با دادگاه نکرده‌اند.

ج- همکاری دولت سوریه با دادگاه ویژه

از آنجا که یکی از مضمونان شرکت در حملات متعدد تروریستی در کشور لبنان، دولت فعلی سوریه می‌باشد و تاکنون حتی رئیس این دولت نیز مورد تحقیق اعضای کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی قرار گرفته است، وضعیت همکاری این کشور با دادگاه ویژه دارای اهمیتی بیشتر است.

بعد از گزارش کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی به شورای امنیت، این شورا با تصویب قطعنامه ۱۶۳۶ (۲۰۰۵) از مقامات سوری خواست تا در خصوص مسایلی که در گزارش کمیسیون حل نشده باقی مانده‌اند، همکاری نماید. در این قطعنامه شورا سه تعهد جداگانه به سوریه تحمیل کرد. شورا در قطعنامه ۱۶۴۴ (۲۰۰۵) مجدداً بر تعهدات سوریه به موجب قطعنامه ۱۶۳۶ تاکید کرد. در گزارش‌های ششم به بعد کمیسیون تحقیق نسبت به همکاری دولت سوریه نیز ابراز رضایت شده است. لکن، متأسفانه در قطعنامه ۱۷۵۷ (۲۰۰۷) شورای امنیت در خصوص همکاری دولت سوریه با دادگاه ویژه هیچ اشاره‌ای نشده است.

بنابراین، بسته به اراده و خواست دولت سوریه است که با دادگاه ویژه همکاری نماید یا خیر و آن‌گونه که در اظهارات مقامات سوری نیز آمده است، آنان قصد همکاری با دادگاه ویژه را ندارند.^۲ نهایتاً، مانند همه کشورهای دیگر، سوریه نیز باید الزامات خود ناشی از قطعنامه شورای امنیت در رابطه با جرایم تروریستی را انجام دهد. برای مثال، ضبط و مصادره دارائی‌های تروریست‌ها.

در نتیجه، چگونگی و میزان همکاری دولت سوریه با دادگاه ویژه در پرده ابهام قرار دارد.

1. Filippo Di Marcello, Terrorist Crimes and International Co-Operation: Criminal Remarks on the definition and Inclusion of Terrorism in the Category of international Crimes. EJIL. Volume 19, Number 3, 2008.

2. 'Syria won't recognize UN Tribunal on assassination', Associated Press, 10 May 2007; 'Hezbollah condemns Hariri court', BBC News, 31 May 2007; B. Pisk, 'U.N. to set up Lebanon tribunal', The Washington Times, 31 May 2007; N. Blandford, 'Hariri tribunal divides Lebanese', Times Online, 1 June 2007; 'Lebanon tribunal will officially come into force on Sunday', Ya Libnan, 9 June 2007.

مبحث چهارم - نوآوری‌های اساسنامه

اساسنامه دادگاه ویژه لبنان، چندین نوآوری و ابتکار نسبت به اساسنامه‌های قبل از خود دارد که این دادگاه را از سایر دادگاه‌های بین‌المللی یا مختلط متمایز ساخته است.^۱ به طوری که تشکیل این دادگاه را در ماهیت و روش بی‌سابقه می‌دانند.^۲ یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های دادگاه مزبور صلاحیت محدود دادگاه است. برای یک دادگاه بین‌المللی غیر معمول است که صلاحیت آن محدود به یک پرونده یا حادثه‌ای خاص باشد (در این مورد قبلاً به تفصیل بحث شده است و ما بیش از این به آن نمی‌پردازیم).

دادستان دادگاه نیز دارای اختیارات محدود است. از یک طرف، با انتخاب پرونده‌های احتمالی و ارتباط لازم که در اساسنامه آمده است، استراتژی تعقیب دیوان تا حدودی از قبل تعیین شده است. در نتیجه، دادستان حق‌گزینش پرونده‌ها را همانند دادستان‌های بین‌المللی دیگر ندارد. از طرف دیگر، دادستان دادگاه ویژه باید از تحقیقات قبلی که از سوی مقامات قضائی لبنان و کمیسیون تحقیق انجام شده، استفاده کند.

یکی از مسایل جالب که در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان پیش بینی شده است، این است که در حالی که اساسنامه، قوانین داخلی لبنان را منبع منحصر به فرد رسیدگی به جنایاتی می‌داند که دادگاه ویژه نسبت به آنها صلاحیت دارد، در عین حال، نسبت به جرایم داخلی، اشکال منحصر به فردی از مسولیت کیفری بین‌المللی، یعنی برنامه مجرمانه مشترک (Joint Criminal Enterprise) و مسولیت فرماندهی (Command Responsibility) را اعمال می‌کند. این مسئله با اصل قانونی بودن جرایم که یک اصل بنیادی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی می‌باشد، مغایر است. زیرا اساسنامه اشخاصی را محکوم می‌کند که به موجب حقوق کیفری لبنان مسول شناخته نمی‌شوند (Milanovic, 2007, 1125).

ماده ۳ اساسنامه دادگاه ویژه تحت عنوان «مسئولیت کیفری فردی» علاوه بر شیوه‌های رایج مسئولیت در همه نظام‌های حقوقی، به اجرای دو شکل عمده مسئولیت کیفری بین‌المللی در خصوص حملات ارتكابی در لبنان اشاره کرده است؛ یعنی هدف مجرمانه مشترک و مسولیت کیفری فرماندهی.^۳ هر دو این مفاهیم، برنامه مجرمانه مشترک و مسئولیت فرماندهی دکترین‌هایی هستند که منحصراً به جرایم بین‌المللی مربوط می‌باشند. همان‌گونه که قبلاً گفته

۱. در خصوص جنبه‌های مختلف دادگاه ویژه لبنان، سمپوزیومی برگزار شده است که مقاله‌های ارائه شده در آن، در مجله عدالت کیفری بین‌المللی سال ۲۰۰۸ شماره ۵ به چاپ رسیده است.

۲. ر.ک: گزارش موسسه معتبر بین‌المللی چتم هاوس انگلیس در آدرس زیر:

3. A.M. Danner and J.S. Martinez, 'Guilty Associations: Joint Criminal Enterprise, Command Responsibility, and the Development of International Criminal Law', 93 *California Law Review* (2005) 75, at 109.

شد، به اعتقاد برخی نویسندگان، حملات تروریستی لبنان می‌توانند به عنوان جنایات علیه بشریت شناخته شوند. مشاور حقوقی سازمان ملل متحد نیز در گزارش خود،^۱ احتمال اینکه این حملات به عنوان جنایات علیه بشریت شناخته شوند را وارد دانسته بود، لکن این پیشنهاد مورد قبول اعضاء قرار نگرفت.

برای برون رفت از این پارادکس، برخی نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که دادستان دادگاه ویژه، هیچ‌کس را به موجب اشکال محض مسولیت کیفری بین‌المللی علی‌الخصوص، مسولیت کیفری فرماندهی متهم ننماید، مگر آنکه متهم در دادگاه ویژه، یک عضو نظامی باشد و حقوق نظامی لبنان مسولیت فرماندهی را برای جرایم عادی که از سوی زیردستان ارتکاب یافته است، به رسمیت شناخته باشد، در غیر این صورت، مغایر با اصل قانونی بودن جرایم خواهد بود (Milanovic, 2007, 1139).

مسأله دیگری که در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان به آن اشاره نشده است، و سکوت اساسنامه در این باره تعجب نویسندگان حقوق کیفری بین‌المللی را برانگیخته است، عدم اشاره به بی‌اثر بودن سمت رسمی اشخاص است که در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و مختلط که تاکنون تشکیل شده‌اند، پیش بینی شده است. اصل اساسی حقوق کیفری بین‌المللی این است که، سمت رسمی فرد به عنوان رئیس دولت یا حکومت یا به عنوان یک مقام مسول دولتی، موجب معافیت از مسولیت کیفری یا تخفیف مجازات نخواهد شد.^۲

این اصل از زمان منشور نورنبرگ تاکنون در تمامی اسناد بین‌المللی و اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی آمده است.^۳ با اینکه ماده ۶ اساسنامه دادگاه ویژه عفو را مانع از تعقیب و محاکمه نمی‌داند، اساسنامه در خصوص مصونیت یا عدم مصونیت شغلی و شخصی اشخاص مقرراتی را پیش بینی نکرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در رای مربوط به پرونده Yerodia^۴ اجرای این اصل را در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مورد تاکید قرار داده است. با این حال، دیوان بین‌المللی دادگستری تاکید کرد که قواعد مربوط به مصونیت یا مسولیت کیفری اشخاص یک جایگاه قانونی دارد که در اسناد رسمی موجد دیوان‌های کیفری بین‌المللی گنجانده می‌شود.

1. Report of the Secretary-General on the establishment of a special Tribunal for Lebanon, UN Doc. s/2006/893, 15 November 2006, pp. 23-25.

۲. برای بحث تفصیلی در مورد اصل عدم مصونیت سران و مقامات عالی رتبه دولت‌ها رک: آقائی جنت مکان، حسین.

محاکمه قدرت (مسولیت کیفری مقامات مافوق و زیردستان آنان). انتشارات گنج دانش. ۱۳۸۶. فصل چهارم.

۳. ماده ۷ منشور نورنبرگ، ماده ۶ منشور توکیو، ماده ۷ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق، ماده ۶ اساسنامه دیوان رواندا، ماده

۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

4. Judgment in the Case concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium) (Yerodia case), ICJ Reports 11 (2002).

عدم ذکر یکی از اصول بنیادی عدالت کیفری بین‌المللی در اساسنامه را باید عمده تلقی کرد، زیرا، به کارگیری قواعد مربوط به عدم مصونیت مقامات دولتی، معمولاً به جرایم بین‌المللی به معنای خاص (Strico sensu) محدود است؛ یعنی نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی. و بنابراین، این اصل در دادگاه ویژه که صلاحیت آن مبتنی بر قوانین کیفری لبنان و جرایم حقوق داخلی است، اجرا نمی‌شود.

با توجه به عدم ذکر اصل بی‌اثر بودن سمت رسمی و همچنین به خاطر صلاحیت دادگاه ویژه، که شامل جرایم اصلی بین‌المللی نمی‌شود، بنابراین، عدم ذکر این اصل می‌تواند مقامات دولتی را از محاکمه در دادگاه ویژه معاف کند و در نتیجه محدودیت بیشتری را به دیوان تحمیل نماید.

در زمینه آئین دادرسی کیفری، اساسنامه دادگاه ویژه تحت تاثیر اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و مختلط قبل از خود می‌باشد. در اساسنامه دادگاه ویژه سه تاسیس مهم حقوقی ایجاد شده است که برخی نویسندگان آنها را نوعی خلاقیت و نوآوری در اساسنامه دادگاه تلقی می‌کنند (Cécile, 2007, 1109). برای مثال، پیش‌بینی قاضی مقدماتی (Pre-Trial judge)، نقش قاضی در انجام محاکمات (The role of Pre-Trial Judge in the Proceedings) و مشارکت قربانیان جرم در مراحل دادرسی (The participation of Victims in the Proceedings).^۱

اساسنامه دادگاه ویژه بیشتر سعی کرده است نقش قضات و نظارت آنان بر رسیدگی‌ها را تقویت کند^۲ و از این جهت، بیشتر تحت تاثیر خصوصیات نظام کیفری رومی-ژرمنی بوده است^۳ و نشان می‌دهد که آئین دادرسی کاملاً و حقوق نوشته در آن لحاظ شده است.

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا و آئین دادرسی مربوط، قاضی مقدماتی پیش‌بینی نشده بود. لکن با توجه مشکلاتی که در عمل پیش آمد قضات آئین دادرسی و ادله را اصلاح کردند و قاضی مقدماتی را پیش‌بینی و مقررات مربوط به رسیدگی‌های مقدماتی را تصویب کردند (مواد ۶۵ و ۷۳ مکرر آئین دادرسی و ادله). قضات دیوان رواندا نیز آئین دادرسی دیوان مزبور را اصلاح کردند و ماده ۶۵ را تحت عنوان «قاضی مقدماتی» پیش‌بینی کرده‌اند.

در اساسنامه رم نیز شعبه مقدماتی پیش‌بینی و ایده قاضی مقدماتی تقویت شده است.

۱. به نظر می‌رسد اساسنامه دادگاه ویژه در هیچ کدام از موارد فوق مبتکر یک نوآوری نبوده است.

۲. ماده ۲۱ اساسنامه به شعبه مقدماتی اختیار داده است دلایل شهود را به صورت شفاهی دریافت نماید، و چنانچه منافع عدالت اقتضاء نماید آنها را به صورت کتبی اجازه دهد.

۳. کشور لبنان از سال ۱۹۱۸-۱۹۴۳ تحت قیمومت فرانسه بوده است و در این مدت نظام حقوقی فرانسه، قوانین و مسایل قضائی این کشور را به طور اساسی تحت تاثیر قرار داده است.

(ماده ۵۷).^۱ همین‌طور، ماده ۸ (الف) اساسنامه دادگاه ویژه لبنان، که یک قاضی مقدماتی بین‌المللی را پیش‌بینی کرده است متأثر از دیدگاه فوق در نظام آئین دادرسی کیفری بین‌المللی بوده است. وظیفه قاضی مقدماتی در ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه معین شده است که عبارتند از؛ تایید کیفرخواست، صدور دستورات لازم به دادستان جهت انجام تحقیقات و انجام محاکمه سریع و منصفانه، از جمله حکم جلب اشخاص و انتقال آنان.

نقش قاضی مقدماتی در اساسنامه دادگاه ویژه، شبیه نقش قاضی مقدماتی در دیوان کیفری بین‌المللی است. دلیل پیش‌بینی قاضی مقدماتی از یک طرف تسریع در روند رسیدگی‌ها، و از طرف دیگر، جلوگیری از اقدامات خودسرانه دادستان‌های بین‌المللی بدون نظارت قضات عنوان شده است.

ناگفته نماند که برخی ابهامات در خصوص نقش قاضی مقدماتی وجود دارد که امید است با تصویب آئین دادرسی وادله که وضع مقررات مربوط به خود قضات واگذار شده است (ماده ۲۸ اساسنامه)، رفع گردد.

مشارکت قربانیان جرم در رسیدگی‌ها که متأثر از سنت رومی- ژرمنی در محاکمات کیفری می‌باشد، در اساسنامه دادگاه ویژه پیش‌بینی شده است. ماده ۱۷ اساسنامه، تحت عنوان «حقوق قربانیان جرم» به آنان اجازه می‌دهد شخصاً یا از طریق نمایندگان قانونی خود دیدگاه‌ها و نظراتشان را به اطلاع دادگاه برسانند. اساسنامه به جبران خسارت قربانیان جرم نیز اشاره کرده است (ماده ۲۵). مقررات اساسنامه دادگاه ویژه در این موارد تا حدود زیادی شبیه مقررات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است، لکن در خصوص حمایت از قربانیان جرم و شهود مقرراتی پیش‌بینی نکرده است.

پیش‌بینی اداره دفاع به عنوان یکی از ارگان‌های دادگاه ویژه در اساسنامه، تاسیس حقوقی تازه‌ای به نظر می‌رسد.^۲

تنها مسئله‌ای که در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان، تفاوتی را نسبت به سایر اساسنامه‌ها نشان می‌دهد اجازه انجام محاکمه غیابی (trials in absentia) است. برای نخستین بار است که اساسنامه یک دادگاه بین‌المللی، امکان محاکمه غیابی را فراهم می‌سازد و برخی نویسندگان آن را یک نوآوری مهم در اساسنامه دادگاه می‌دانند (Gaeta, 2007, 1167; Cecile, 2007, 1108).

1. Arts. 57 and 58 of the ICC statute.

۲. تاسیس «اداره دفاع» که در ماده ۷ اساسنامه دادگاه ویژه آمده است را می‌توان یک نوآوری جدید اساسنامه دانست. دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش خود هنگام تاسیس دادگاه ویژه اشاره کرد که ایجاد این دفتر به منظور رعایت اصل تساوی سلاح‌ها مهم به نظر می‌رسد. (رک: UN Doc. S/2006/893, Rule 45 SCSL RPE.)

یکی از ویژگی‌های دادگاه ویژه لبنان که آن را از سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی (بجز نورنبرگ) متفاوت می‌سازد این است که در اساسنامه دادگاه ویژه رسیدگی غیابی پیش بینی شده است. در اساسنامه دیوان‌های موقت که قبلاً از سوی شورای امنیت تاسیس شده‌اند، حق محاکمه غیابی متهمان پیش بینی نشده است.^۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در ماده ۶۳^۲ به حق محاکمه حضوری متهم اشاره کرده است.

ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه ویژه، همانند ماده ۱۲ منشور دیوان نظامی بین‌المللی نورنبرگ^۳، محاکمه غیابی متهم را اجازه می‌دهد. ماده ۲۲ اساسنامه با تصریح به انجام محاکمه غیابی آن را در سه مورد پیش بینی کرده است: (۱) متهم صریحاً و کتباً انصراف خود را از حق حضور اعلام دارد، (۲) متهم از سوی مقامات دولت مورد نظر تحویل دادگاه نشده باشد، (۳) متهم فراری باشد یا به نحو دیگری یافت نشود و همه اقدامات لازم برای احضار و مطلع کردن او از اتهامات صورت گرفته باشد. ماده ۲۲ همچنین تصریح می‌کند که برای برگزاری محاکمه غیابی، دادگاه باید اطمینان حاصل نماید که (۱) کیفرخواست به متهم ابلاغ شده یا اینکه از طریق اعلام در مطبوعات یا ارسال به دولت محل اقامت یا متبوع او اعلام شده باشد، و (۲) متهم یک وکیل مدافع انتخابی منصوب کرده باشد.

نهایتاً، ماده ۲۲ پیش بینی می‌کند که در صورت محکومیت، متهم حق محاکمه مجدد را دارد. حق محاکمه مجدد در صورتی است که متهم غایب وکیل مدافع انتخابی معرفی نکند، مگر آنکه متهم رای صادره غیابی را بپذیرد.

پیش بینی محاکمه غیابی به نوعی دور شدن از دیدگاهی است که دبیرکل سازمان ملل متحد و مشاور حقوقی وی هنگام تدوین اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق و سپس هنگام تاسیس دیوان رم محاکمه غیابی را مجاز نمی‌دانستند. مسأله محاکمات غیابی در زمان مذاکرات دیوان یوگسلاوی سابق و اساسنامه رم یک موضوع مورد اختلاف بوده است. هنگام تاسیس دیوان یوگسلاوی سابق، دبیرکل سازمان ملل متحد تصریح کرد: «در دیوان کیفری بین‌المللی بدون حضور فیزیکی متهم، محاکمه شروع نخواهد شد.»

۱. در دادگاه‌های مختلط که از سوی شورای امنیت تشکیل شده‌اند تنها در دادگاه ویژه سیرالئون محاکمه غیابی تحت شرایط خیلی محدود پیش بینی شده است. هرچند اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون همانند دادگاه ویژه یوگسلاوی سابق و رواندا حق متهم برای محاکمه حضوری را مورد تأکید قرار داده است، لکن ماده ۶۰ آئین دادرسی وادله محاکمه غیابی را پیش بینی کرده است.

۲. ماده ۶۳ اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد: محاکمه باید با حضور متهم صورت گیرد.

۳. برای مطالعه بیشتر در مورد این ماده و به طور کلی محاکمات غیابی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ر.ک:

A. Cassese, *International Criminal Law* (Oxford: Oxford University Press, 2003), 400-405.

علت عدم پیش بینی محاکمه غیابی در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، مغایرت برگزاری محاکمه غیابی با ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی می‌باشد. ماده مزبور مقرر می‌دارد: متهم حق دارد حضوری محاکمه شود.

ظاهراً پیش بینی محاکمه غیابی به اصرار هیأت لبنانی صورت گرفته است و دبیرکل نیز از این پیشنهاد حمایت کرده است. علی‌الخصوص اینکه در آئین دادرسی کیفری لبنان نیز محاکمه غیابی شناسائی شده است. هرچند در صورت محاکمه غیابی متهم، تضمینات لازم در نظر گرفته شده است. با وجود این، انتقادات زیادی نسبت به اختیارات وسیع دادگاه ویژه لبنان برای محاکمه غیابی صورت گرفته است زیرا این امر می‌تواند یک ابزار سیاسی قدرتمند در یک زمینه آسیب‌پذیر از نظر تاریخی باشد. نویسندگان حقوق کیفری بین‌المللی آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند و متن ماده ۲۲ را رضایتبخش نمی‌دانند (Gaeta, 2007, 1165).

نتیجه‌گیری

با توجه به عرف بین‌المللی موجود، امروز مسلم شده است که شورای امنیت حق دارد تا دادگاه‌های کیفری بین‌المللی تاسیس کند که حق تعقیب اشخاص را داشته باشند. دادگاه ویژه لبنان فصلی جدید در برابر شورای امنیت و نیز جامعه بین‌المللی گشوده است. دادگاه ویژه لبنان تاثیر به سزائی در تقویت اجرای عدالت کیفری در سطح جهان دارد. اما، به نظر می‌رسد بهتر است به جای تاسیس دادگاه‌های موردی و موقت، وضعیت‌هائی که تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌روند و شورای امنیت براساس فصل هفتم آن‌ها را احراز می‌کند، با ارجاع از سوی شورا به دیوان کیفری بین‌المللی ارسال شوند تا از اتلاف وقت و تحمل هزینه‌های سنگین که در تشکیل دادگاه‌های موقت است، جلوگیری شود. همانند تصمیمی که از سوی شورا در خصوص ارجاع وضعیت جاری در دارفور سودان به دیوان کیفری بین‌المللی صورت گرفت و یک موفقیت مهم برای شورا و دیوان محسوب می‌گردد. از طرف دیگر، تعارض - یا بهتر بگوئیم - تفاوت بین نظام حقوقی ملی کشور متبوع متهم یا متهمان با اساسنامه دادگاه‌هائی که تشکیل می‌شود، به یک چالش بین‌المللی تبدیل نمی‌گردد.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

۱. آقائی جنت مکان، حسین (۱۳۸۶)، محاکمه قدرت (مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زیردستان آنان در حقوق کیفری بین‌المللی)، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲. سادات میدانی، حسین (۱۳۸۴)، صلاحیت قانون‌گذاری شورای امنیت، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. چاپ اول.

۳. داوید، اریک. (۱۳۷۳) دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق. مترجم مصطفی رحیمی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جا، ش ۱۸-۱۹.
۴. فیوضی، رضا (به کوشش زهرا فیوضی) (۱۳۸۶)، حقوق بین‌المللی کیفری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول.
۵. کسسه، آنتونیو (۱۳۸۷) حقوق کیفری بین‌المللی، حسین پیران و سایرین (مترجمان)، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
۶. گرین وود، کریستوفر (۱۳۷۳) دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق. مترجم دکتر مهرداد سیدی. مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جا، ش ۱۸-۱۹.
۷. نوع پرست، زهرا. جهانی شدن و حقوق کیفری بین‌المللی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۷۹-۱۸۰.
۸. حدادی، مهدی (۱۳۸۵)، بررسی مشروعیت دادگاه خاص عراق، مجله اندیشه‌های حقوقی، سال چهارم، شماره ۱۱.
۹. شهادی، ندیم والیزابت ویلم شرس (۲۰۰۷)، دادگاه بین‌المللی ویژه برای لبنان: آیا سازمان ملل محاکمه می‌شود؟ گزارش منتشره از سوی موسسه سلطنتی جتیم هوس در انگلیس، ژولای ۲۰۰۷. در آدرس زیر:
www.chathamhouse.org.uk
۱۰. تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶) حقوق بشر، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
۱۱. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.
۱۲. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق.
۱۳. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا.
۱۴. اساسنامه دادگاه ویژه لبنان.
۱۵. اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون.
۱۶. اساسنامه دادگاه عالی عراق.
۱۷. موافقتنامه بین سازمان ملل متحد و دولت سیرالئون.
۱۸. قانون العقوبات لبنان (۲۰۰۲). اعداد و اشراف عارف زیدالزین. منشورات الحلبي الحقوقية. بیروت - لبنان.

ب- خارجی

- 1-A.M. Danner and J.S. Martinez, (2005) 'Guilty Associations: Joint Criminal Enterprise, Command Responsibility, and the Development of International Criminal Law', 93 *California Law Review* 75.
- 2-Swart, Bert. (2007) Cooperation Challenges for the Special Tribunal for Lebanon. *Journal of International Criminal Justice* V, 5.N, 5.
- 3-Nidal Nabil Jurdi, (2007) *The Subject-Matter Jurisdiction of the Special Tribunal for Lebanon. Journal of International Criminal Justice*. V, 5.N, 5.
- 4- Bardo Fassbender, (2007). *Reflections on the International Legality of the Special Tribunal for Lebanon. Journal of International Criminal Justice*. V, 5.N, 5.
- 5- Gaeta, Paola. (2007). *To Be (Present) or Not To Be (Present) Trials in Absentia before the Special Tribunal for Lebanon. Journal of International Criminal Justice*. V, 5.N, 5.
- 6- Marko Milanović, (2007) *an Odd Couple, Domestic Crimes and International Responsibility in the Special Tribunal for Lebanon. Journal of International Criminal Justice*. V, 5.N, 5.
- 7- Cecile Aptel, (2007) *Some Innovations in the Statute of the Special Tribunal for Lebanon. Journal of International Criminal Justice*. V, 5.N, 5.
- 8- Filippo Di Marcello, (2008) *Terrorist Crimes and International Co-Operation: Criminal Remarks on the definition and Inclusion of Terrorism in the Category of international Crimes*. *European journal of international law*. Volume 19, Number 3.
- 9- Cassese, Antonio, (2003) *International Criminal law*. (Oxford: Oxford University Press.
- 10- C.P. Romano, A. Nollkaemper and J.K. Kleffner (eds), 2004 *Internationalized Criminal Courts* (Oxford: OUP).
- 11- E. Rosand, (2003) 'Security Council Resolution 1373, the Counter-Terrorism Committee, and the Fight against Terrorism', 97 *American Journal of International Law*
- 12- S. Talmon, (2005) 'The Security Council as World Legislature', 99 *American Journal of International Law*.

- 13- J.R.W.D. Jones et al. (2004) 'The Special Court for Sierra Leone: A Defence Perspective', 2 Journal of International Criminal Justice.
- 14- JEAN D'ASPREMONT and ANNEMARIEKE VERMEER-KÜNZLI, *the Special Tribunal for Lebanon: Introductory Note*. LJIL.21 (3).
- 15-FRÉDÉRIC MÉGRET, *A Special Tribunal for Lebanon: The Council and the Emancipation of International Criminal Justice*. . LJIL.21 (3).
- 16- WILLIAM SCHABAS, *The Special Tribunal for Lebanon: Is a 'Tribunal of an International Character' Equivalent to an 'International Criminal Court'*. LJIL.21 (3).
- 17-BJÖRN ELBERLING, *the Next Step in History-Writing through Criminal Law – Exactly How Tailor-Made is the Special Tribunal for Lebanon?* LJIL. 21 (3).
- 18- www.aftab.ir/news
- 19- www.irdiplomacy.ir
- 20-www.chathamhouse.uk
- 21-<http://www.globalpolicy.org/intljustice/lebanindx.htm>
- 22-<http://www.globalpolicy.org/security/issues/lbisindx.htm> <http://www>
- 23-trial-ch.org/en/international/tribunal-special-international-pour-le-liban/documents.html.